داکتر سیدخلیل الله هاشمیان ۲۰۱۳/۰٤/۲۸

# یک توضیح از زاویهٔ معیارهای علم زبانشناسی

مقالهٔ ""تاریخ جیست ؟"" استاد سیستانی را خواندم و ازآن بسیار آموختم، خداوند متعال باین مورخ نامدار وطن صحت خوب و عمردراز نصیب نماید. آقای داکتر سیدحمیدالله روغ باز هم شله گی داردکه (افغان) معادل (اوغان) نیست و (افغانستان) معادل (اوغانستان) نیست . من قبلا نوشتم که کلمهٔ (افغان) ۱٤۰۰ سال قبل وجود نداشت ، وقتی عربها بخراسان رسیدند و بامردم وسرزمینی بنام (اپگان) برخوردند، این کلمه را(افغان) خواندند، چونکه درزبان عربی اصوات /پ/ و /گ/ وجود ندارد. این ادعا را من ازشکم خود نکشیده ام ، علوم زبانشاسی وتاریخ هردو موید این ادعاست. وقتی من محصل بودم، مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی همین مطلب را بتکرارمیگفت که "" کلمهٔ (افغان) معرب ( اپگان )است. مرحوم استاد الهام درمضمون زبانشناسی همین مطلب را تدریس کرده و وقتیکه نوبت تدریس بمن رسید، منهم همین مطب را با توضیحات بیشتر در بارهٔ اصواتیکه اززبان عربی در زبان دری شامل شده وچند کلمه ایکه عربها ازفارسی گرفته و آنرا معرب ساخته اند، تدریس کرده ام - یکی ازین کلمات بوتهٔ گلاب است که عربها ازخراسان بعربستان بردند و آنرا (جلاب) خواندند، چونکه صوت /گ/ درزبان عربی وجود ندارد.

حالا ما بیک سلسله مدعیات جدید وغیرقابل باور ازقلم آقای داکتر روغ مواجه هستیم که صلاحیت مسلکی درعلوم تاریخ وزبانشناسی ندارند – بعضی آثار ونوشته ها را که مدارک اصلی واعتبار آنها معلوم نیست ، میخوانند و بعضی نام ها را در زبانهای اویغوری وهپتالی (که هردو شاخه های مادر زبان ترکیک میباشند) می یابند وفوراً باور و ادعا میکنند آن کلمات ریشهٔ کلمات پشتو وفارسی میباشند . برای معلومات اقای داکتر روغ دو معیار قبول شدهٔ علم زبانشناسی را درینجا درج میکنم و امیدوارم در مطالعات خود ازین دو معیار کاربگیرند:

۱) COGNATE WORDS - کلمات خویشاوند : کلمات خویشاوند آن نوع کلماتیست که دربین زبانهای متعلق بیک خانوادهٔ زبان وجود دارند ودارای عین معنی میباشند. در خانوادهٔ زبانهای هند-اروپایی که فارسی وپشتو نیز ازهمین خانواده میباشند، کلمات (پدر، مادر، برادر، گاو، اسپ، قروت و امثالهم – یعنی کلمات دورهٔ اول زندگی مشترک نژادآریایی) هنوزهم درهمه زبانهای این خانواده (انگلیسی، فرانسوی، جرمنی، روسی ، هسپانوی و زبانهای سانسکرت وهندی) محفوظ مانده ووجود دارند .علاوه برکلمات خویشاوندی و حیوانات اهلی، یکتعداد کلمات دیگر نیز باعین معنی درزبانهای خویشاوندوجودارند. یکدخترایرانی محصلهٔ صنف چارم دپارتمنت انگلیسی پوهنحی ادبیات، که پدرش سکرتردوم سفارت ایران بود، برای تکمیل دوره، لیسانس خود درکابل تا درایران مداراعتبارقرار بگیرد، تقاضای تکمیل یک رساله را کرد. من برایش وظیفه دادم تا بالای کلمات خویشاوند درزبانهای هند-اروپایی تحقیق کند . آن محصله درحدود ۹۰ کلمه رایافته بود ورسالهٔ او بزبان انگلیسی توسط من ویک استاد هندی ویک استاد امریکایی تصدیق ویک کاپی آن بکتابخانهٔ پوهنتون کابل سپرده شد. یکی ازکلمات شامل رسالهٔ اوکه بیادم مانده (قروت) است که درقاموسهای انگلیسی (CURD) ثبت شده است. درین تحقیق بیشترین کلمات خویشاوند درزبان هسپانوی یافت شده بود.

- ۲ ) ONOMATOPOETIC WORDS – کلمات مشابه الصوت یا تقلیدی : این عنوان در کورس مضمون نحو (SYNTAX) مطرح قرارگرفت که خصوصیات زبانهای دنیا ازلحاظ ساختمان تدریس میشد : زبانهائیکه ساختمان شان ازنظردستورفرق دارد ، مثلا (فاعل – فعل - مفعول) (فعل – فاعل – مفعول) –( فاعل - مفعول – فعل)- (مفعول – فاعل – فعل) – (مفعول – فعل – فاعل) و امثالهم. زبانهائیکه (صفت) دراخیر جمله قرار میگیرد ، زبانهائیکه (میان وند) دارند، زبانهای التصاقی، زبان هائیکه وندها دردوطرف یا قبل ازفعل و فاعل قرارمیگیرند، زبانهائیکه مفاهیم زمان و مکان را بطور مختلف افاده میکنند و ... استاد این مضمون یک عالم برجسته بود که ۱۲ سال درکشورهای افریقایی تدریس و بالای زبانهای افریقایی تحقیق کرده و در سال (۱۹۷٤) هشت کتاب او طبع شده بود. در صنف ما دونفر عرب و من از آسیا بودیم – استاد کلپ ها و کاست های زبانهای افریقایی - زبانهای چینایی – تبتی ، زبانهای ترکی – مغولی وغیره را میگذاشت و اوراق چاپ شده هم بدسترس ما قرارمیداد وباصول سمعی – بصری ساختمان زبانها را تشریح میکرد. این کورس مدت ششماه دوام داشت و استاد


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

موصوف بارباراصطلاح (ONOMATOPOETIC) را یاد واخطار میداد که اگز درمکالمات زبانهای مختلف، کلمات شبیه الصوت شنیدید تصور نکنید که عین معنی داشته یا خویشاوند میباشند. استاد بدونفرمحصل عربی وظیفه داد تا در بین زبانهای فامیل چینایی – تبتی وعربی کلمات مشابه الصوت پیداکنند – و بمن وظیفه داد در بین زبانهای افریقایی و زبانهای فارسی – پشتو کلمات شبیه الصوت پیداکنم . من در بین زبانهای افریقایی و زبان پشتو سه کلمهٔ نهایت شبیه الصوت یافتم ( څلور – غوښه – ډوډی ) – عربها کلمات شبیه الصوت زیاد دربین زبان عربی و زبانهای چینایی – تبتی یافته بودند – اما این کلمات درحالیکه شبیه الصوت بودند عین معنی را نداشتند. (غوَښه = گوشت) درزبان افریقایی نام یکنوع درخت بود - (ډوډی) درزبان افریقایی (یک آله مانند کفگیر یا بیل) و (څلور) نام یکنوع گیاه نشه ای بود.

ازتاریخ کشورخود می آموزیم که خاندانهای ترک نژاد (غزنوی وسلجوقی) ، مغولها، تیمور واولاده اش ، بعدا تیموریان هند قرنها درافغانستان حکومت و سکونت کرده اند – اینرا هم میدانیم که زبانهای اویغوری و هپتالی شاخه های فامیل زبان ترکیک میباشند – اما من باساس قوانین علم زبانشاسی که شمه ای از آن در بالا ذکر شده ، مدعیات آقای روغ را قبول نمیتوانم که ""ماساغیت = ماساخیل – ایسادون = عیسی خیل - کاشاغان = قطغن – اسپس بولداغ = سپین بولدک – ا- زاره = هزاره – موساهاها = موسهی "" میباشند، یعنی کلمات ایغوری با کلمات فارسی – پختو هم ریشه نیستند ! هکذا کلمات و نامهای ""اولنگ، یکاولنگ، سالنگ، جاغوری، خوست، حدران، ارگون، کرلان و زابلستان "" نامها وکلمات ایغوری نیستند . اگر شخص دیگری ادعا کند که این کلمات مغولی یا هندی یا تبتی میباشند، اقای روغ برای رد چنین ادعایی چه دلایل علمی دارد ؟؟؟

یک طریق علمی برای ثبوت اصالت وقدامت کلمات یک زبان ارزیابی ساختمان صوتی کلمات است و اینکار بعلم (فونتیک و فونولوجی - علم الاصوات یاصوت شناسی) تعلق میگیرد. در بانک جهانی اصوات حدود ۷۳ صوت وجود دارد وهرزبان زنده وکشف شده (زیراهنوزهم بعضی زبانها وجوددارند اما تشخیص و شناسایی نشده اند) ازهمین بانک سهم خودرا میگیرد. اما ارزش صوتها (مخرج وچگونگی عبور آن از حنجره) متفاوت است، مثلا : /ص/ و /س/ - /ث/ و /س/ - /ط/ و /ت/ - /ظ/ و /ز/ متفاوت است . کلمه، (ا- زاره) را که آقای روغ معادل (هزاره)میشناسد، یک شناخت غیرعلمی وسمچوتکی است. آیا ارزش صوتی وطرز تلفظ (ا-زاره) با (هزاره) یکسان است؟ ایا صوت اول د رهردو کلمه /ا/ است یا /هه/ ؟ آیا صوت وسطی هردو کلمه / ز/ است یا / ذ/ یا / Z / ؟ صوت / ر/ درزبانهای فارسی وپختو شاید دارای عین ارزش صوتی باشد، اما دریکعده زبانها این صوت به /R / ودرعدهٔ دیگر به / L/ تبدیل شده - هکذا دریکعده زبانهای دیگر صوت / P / به / H/ تبدیل شده، لهذا ارزش صوتی کلمهٔ (STHANA ) معادل (ستانه) پشتو و (آستان) و (آستانه) فارسی نمیباشد - آستان درفارسی بمعنی زمین و ایالت است ، و هرگاه بقسم پسوند درپهلوی اسم خاص قرار گیرد معنی آنکشور یا سرزمین میباشد: افغانستان - هندوستان - انگلستان. هکذا درموردکلمهٔ (پور)که تصور شده کلمهٔ خالص فارسی نیست، اشتباه صورت گرفته : این کلمهٔ اصیل فارسی است، ولی محقق معنی آنرا درست نفهمیده : (پور) بحیث اسم عام بمعنی پسروفرزند، و فردوسی( پور زال) را بمعنی زاده یا مربوط بیک نسل خاص استعمال کرده، اما هرگاه (پور) بعد از اسم خاص درپهلوی آن قرارگیرد، بمعنی (گاه) به پسوند مکان تبدیل میشود(گذرگاه، تفرجگاه، شکارگاه وغیره) - در ترکیبات (سلطانپور)، (کته پور- درسرخرود)، (گنداپور) وغیره ، کلمهٔ پور بحیث پسوند مکان ، یعنی (مکان یا جای سلطان) – (مکان یا جای "کته" – درپشتو بمعنی پایان- پا یان جاه)، (مکان یا جای گندا) معنی میدهد. درین نوشته تخته و تباشیر وجود ندارد، من سعی میکنم مطالب را بزبان عام تشریح کنم. کلمهٔ (پور) درکتیبه (بغولانگه) ثبت است که مثال آنرا بعداً می بینید.

اقای داکتر روغ میفرمایند : "" بحث هائیکه ما تا کنون در ریشه شناسی دو کلمهٔ (پشتو) و (پشتون) کرده ایم، قناعت بخش نیستند. با همان ابزارهای زبانشناسی مسلم است که نمیتوان ادعا کرد که از (پخت) به (پختون) عبور شده است ، یعنی اینگونه نیست که (پکت) و (پخت) بوده ، بعدا (پختون) شده است ، کلمه پشتون یک کلمهٔ مشتق نیست ، باارزش ترین راهنمایی در بارهٔ کلمهٔ پشتون ازاستاتد سعیدنفیسی است که نشان میدهد که یکی از اقوامی که طی مهاجرت های اولی بکرانهٔ شرقی مدیترانه رسیده بودند (بهتون) نامیده میشده اند، که بعدا بسرزمین ما رسیده اند وخود را را(پشتون) نامیده اند، این تبیین ازین جهت مستحکمتر میشود که پسوند (تون) بحیث پسوند نام، ریشه مصری دارد، بما نند (ایخا تون) و دیگران.""

من میگویم و برگفتهٔ خود تاکید واصرارمیکنم که تبیین فوق الذکرآقای داکتر روغ بخاطری بسیارخام بلکه شطحیات میشود که (تون) در زبان پشتو پسوند نام نیست ، بلکه پسوند مکان است : پوهنه + تون = پوهنتون – درمل + تون



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

= درملتون – زیژند + تون = زیژنتون، و کسانیکه پختون هستند واین نوشته را میخوانند باید شهادت بدهند که (تون) پسوند مکان است ، نه پسوند نام . داکتر صاحب روغ درکلمۀ (ایخا تون) پسوند (تون) پختورا بحیث پسوند نام معرفی کرده، اما درقدم اول معلوم نیست که کلمۀ مذکور (ایخاطون) است یا (ایخاتون)؟ اگر (ایخاطون ) باشد، کلمه ایست مربوط بفامیل زبانهای (سمتیک) که دو شاخۀ آن (یکی آرامیک یا آرامی) مرده، و دوشاخۀ (هیبرو) و(عربی) آن زنده اند، اما من نمیدانم که (ایخاطون) بشاخه های مرده تعلق دارد یا بشاخه های زنده ؟ آقای روغ باید مینوشت که کلمۀ (ایخاتون) را ازکدام مرجع ومنبع گرفته تا دربارۀ آن قضاوت مستند صورت گرفته میتوانست . بفرض محال که از کدام منبع ایرانی گرفته باشد، زیرا ازیکطرف نام سعید نفیسی ذکرشده ، ازجانب دیگر ایرانیها اکثرکلمات عربی دارای صوت /ط/ را به /ت/ مینویسند، درینصورت کلمۀ (ایخاتون) پسوند (تون) ندارد، بلکه مرکب است از دوکلمه ( ای + خاتون = ایخاتون) – خاتون کلمه ترکی است بمعنی زن عالیجاه و دارای مقام بلند. بنا بر آن نام (ایخاتون) با املاء صوت/ت/ ریشۀ ترکی پیدا می کند. و اگر این ترکیب (ایخا + تون) باشد ، در آنصورت یک کلمۀ شبیه الصوت تقلیدی است که مثالهای آن در بالا توضیح شده و بخاطر پسوند (تون) آن بهیچوجه یک کلمۀ پختو بوده نمیتواند، زیرا زبان پختو بخاندان زبانهای هنداروپای تعلق دارد نه بخاندان زبانهای سمتیک. چون در نوشتۀ بالا آقای داکتر روغ از "ریشه شناسی" یاد کرده، چنین مینماید که نام ریشه شناسی را شنیده ولی با آن آشنایی ندارد.

نکتۀ انتقادی که به آقای داکتر روغ متوجه میشود اینست که در موردریشه وانشعاب زبان پختو چرا از آثار وتحقیقا ت علمای افغان از قبیل مرحومین علی احمدکهزاد، پوهاند حبیبی، پوهاند رشتین، پوهاند تزی، پوهاندالهام و پوهاند زیارکه الحمدلله حیات دارد استفاده نمیکند که بیک نوشتۀ کهنه وغیرذیصلاح سعیدنفیسی اتکا کرده آنرا ""باارزش ترین راهنمایی دربارۀ ریشه یابی کلمۀ پشتو"" خوانده است؟ سعید نفیسی ادیب ونویسندۀ خوب زبان فارسی بود، اما او و هم داکتر خانلری هردو زبانشناس نبودند، یعنی علم زبانشناسی راتحصیل نکرده بودند، بلکه ازطریق دانش ادبی خود بساحۀ زبانشناسی دست درازی میکردند، نتیجۀ مزخرف این نوع تشبثات غیرذیصلاح این بود که چنانچه آقای روغ نقل قول کرده، سعید نفیسی قوم پختون را از""کرانۀ شرقی مدیترانه و (بهتون) نامیده میشده"" قلمداد کرده است – این (بهتون) نیز یکی ازهمان نوع کلمات تقلیدی است که تصور کرده باشند پسوند (تون) آن بزبان پختو تعلق دارد !!؟؟ برای معلومات هموطنان بعرض میرسانم که درزمان حیات سعید نفیسی دولت ودانشمندان ایرانی زبان پختو را خواهر زبان دری ندانسته بلکه منشعب از سانسکرت میخواندند و این لجاجت آنها تا دهۀ شصت دوام کرد. اما درنتیجۀ چندکنفرانس علمی که دردنمارک ولندن صورت گرفت ، زبانشناسان معتبر اروپایی – امریکایی فتوای قطعی صادرکردند که زبان پختو منشعب ازسانسکرت نبوده بشاخۀ اوستایی تعلق دارد- بعداز آن دولت ایران زبان پختو راخواهرزبان فارسی - دری قبول کرد. تلاش سعید نفیسی که بدخواه زبان پختوبود، وهم اوزبانشناس نبود، همانست که ریشۀ زبان پختو را "بکرانه های شرقی مدیترانه" وصل میسازد وخوش باوران دیگری هم بالای چنین یک استنتاج مزخرف اتکاء میکنند .

یک قسمت نوشته ومدعیات فوق الذکرآقای داکتر روغ بعلم تاریخ تعلق میگیرد، من مورخ نیستم وسبق های تاریخی را ازقلم توانای مورخ نامدار وطن استاد سیستانی می آموزم وبرایش صحت خوب و دوام عمر استدعامیکنم. اما تاجائیکه مدعیات آقای روغ بعلم زبانشناسی تعلق میگیرد، مکلف میباشم درزمینه روشنی اندازم . آقای روغ میفرمایند : "" بحث هائیکه ما تاکنون در ریشه شناسی دو کلمۀ پشتئو وپشتون کرده ایم ، قناعت بخش نیستند..."" من نفهمیدم که درین کلمۀ "ما" چه کسان شامل و بحث کرده اند؟ آیا کدام زبانشناس یا ریشه شناس درین "ما " و درین بحث شامل بوده؟ پس اسم و هویت او معرفی شود !

آقای داکتروروغ میفرمایند : "" باهمان ابزار های زبانشناسی مسلم است که نمیتوان ادعا کرد که از (پخت) به (پختون) عبورشده است ، یعنی اینگونه نیست که (پکت) و (پخت) بوده ، بعدآ (پختون) شده است. .."" " ابزارهای زبانشناسی" عبارتند از علوم فونتیک، فونولوجی، نحو، معانی، زبانشاسی تاریخی، خواندن کتیبه های تاریخی و بازسازی کلمات آن، زبانشناسی روانی، زبانشناسی عصبی، زبانشناسی فزیکی : تشریح آن قسمت اعضای بدن انسان که به تولید صوت وگفتارزبان تعلق دارند، زبانشناسی مقایسی وچند شعبۀ دیگر . من باید بفهمم که اقای داکتر روغ و دوستان شان که درین مباحث اشتراک داشتند بکدام یک از افزار فوق الذکر مهارت یا بلد یت داشتند؟ ودرجای دیگرمفالۀ خود آقای روغ میپرسد: "" چرا ما برای یک قوم دو نام داریم : پشتون و افغان ؟ ""

ازین سوالات وبیانات معلوم میشود که نه خود داکتر روغ ونه همکاران او( اگرکسی باشد)، هیچ کدام شان بهچیک از افزارهای فوق الذکر بلدیت نداشته اند، حتی مطالعات کافی درین باره انجام نداده اند. اینک من بنوبۀ خود



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

بسوالات بالا مختصرجواب میگویم، چونکه این مسایل بمسلک من ارتباط دارند، و از پوهاند داکتر زیارواستادنگارگر توقع دارم درجائیکه من اشتباه کرده باشم – هرانسان ،خصوصا یک پیرمرد۸۵ ساله خالی از اشتباه بوده نمیتواند- اشتباه مرا تصحیح کنند. بلکه پوهاند زیار باید درین مباحث سهم بگیرد، چونکه سابقهٔ طویل تحقیق وتتبع درین رشته دارد .

دربالا گفتم که کلمهٔ (افغان) از شمال افغانستان ازمنطقهٔ خراسان توسط عربها از کلمهٔ اوستایی (اپگان) ساخته شده است. اما ریشهٔ کلمهٔ (پختون ) از مشرق افغانستان از آثار زبان سانسکرت کشف شده است . (اپگان) اوستایی درخواهر زبانش سانسکرت، هویت قومی بنام ( پگهت) یا (پکهت) ثبت شده است و این دوکلمه بسیار شباهت دارند، یعنی صوت /ن/ اوستا به صوت /ت/ درسانسگرت تبدیل گردیده ، و صوت /ا/ اوستا به صوت /ه/ درسانسگرت تغیریافته واین نوع تغییرات درهمه زبانها دیده شده است . قبل ازآنکه بتوضیح بیشتربپردازم، برای معلومات عامه بعرض میرسانم که درهمه زبانهای جهان اصوات کلمات در مرور هزاران سال تغییرمیکنند، وعلم زبانشناسی متحول شدن اصوات کلمات زبانها رااز ورای چهارقانون مطالعه میکند:

ابدال (تبدیل شدن یا تعویض یک صوت با صوت دیگر) مثلا درپختو (ورځ) به (روځ ) – (نمنځ) به (لمنځ)، دردری (آب) به (او) و(دیوار) به (دیوال) .

– حذف ( ازبین رفتن اصوات زبان) مثلا درزبان دری: (گاو) به (گو) –(خواب) به(خو)

ایزاد (اضافه شدن یک صوت ) : درزبانهائیکه تشخیص جنس (تذکیروتانیث) صورت میگیرد، بشمول زبان پختو، برای ساختن کلمهٔ مونث ازقانون ایزادکارگرفته میشود. کلمهٔ انگلیسی (although) که ارزش صوتی آن /alzo/ است ، آنرا با هشت حرف می نویسند.

مقلوب ( سرچپه شدن اصوات) مثلا: درزبان پختومثالهازیاد است : (ږغ) به (غږ) – (پخه) به (خپه).

اکنون چند مثال ازکتیبهٔ معروف سرخ کوتل که از بغلان(بغولتگا) کشف شده وقدامت مادرزبان دری را درخاک افغانستان ثابت ساخته است، از زوایه تغییراصوات زبان ملاحظه کنید:

ام بورزونهر (به کسرنون) - ام کوزگاشکی پوهر - ام استیل منم بورزو مهر منم کوزگاشکی پور منم رئیس

مالیز ماپیدو ریخس یی اوت یی استسکوم ساد اخشت ریگ کرد (بکسر کاف) مادز پدرود نخواهد شد

چون آن خام چاه (را) خشت ریز کرد

پیدی خودی فرومان ا یی من نو بخت فرو کرن آ ب مگا و لی به خدای فرمان ا یمن نو بخت پوره شد آب

نکا هید (کم نشد) (این جمله باید اینطور خوانده شود که : بفرمان خداوند بخت او یاری کرد و آب کم نشد).

(یادداشت : در سه سطر بالا یکتعداد کلمات از متن ٤ صفحه ای کتیبهٔ بغولانگا اقتباس شده است – کتیبه مذکور بزبانهای دری و یونانی مخلوط نوشته شده است).

زبانشناسان اروپایی بعدازشناخت ومطالعهٔ زبان سنسکرت (۱) وسرود های (ریگویدا) درهندوستان، آثار موجود در(زند) و (پازند)، یعنی آنچه از زبان (اوستا - آوستا) باقی مانده، تحت مطالعه قرار داده باین نتیجه رسیدند که اوستا و سنسکرت دو خواهر زبان منشعب از مادر مشترک بوده، اما نشان و اثری از مادر زبان مشترک نمانده است. این دو زبان بعد از جدا شدن از همدیگر و سکونت بدو منطقهٔ مختلف، هر کدام بنحوی تغییر و تحول کرده است. البته ایرانی ها مدعی بودند که اوستا منشعب از (فرس باستان) است، ولی برای ادعای خود شواهد علمی و مدارک تاریخی نداشتند، زیرا زبان اوستا در منطقهٔ خراسان و زابلستان خارج از مرز کشور فارس رایج بود و بقایای آن مثلا زبان دری از اینجا بکشور فارس رفته است. بهرحال، زبانشناسان ایران بعدد از جرو بحث زیاد اکنون باین واقعیت اعتراف کرده اند.

سرودهای (ریگوید) (۲) که جنبه مذهبی ومقدسیت داشتند وحدود دوهزارسال بعد ازایجاد آنها هنگامیکه رسم الخط در هندوستان رایج شد ، شاید حدود دوهزارسال قبل نوشته شده اند- درین سرودها نام ومحل زندگی اقوام مختلف درج شده ، ازآنجمله نام ومحل زندگی قومی بنام (پکهت ) چندبار وبتکرار بحیث یکی از برازنده ترین پیروان کیش مقدس ذکر شده است. درصفحات مختلف سرودهای (ویدی) نام این قوم بسه نوع تلفظ مختلف (پکهت) - (پکهتا) - (پکتها) وجود دارد ومحل زندگی شان دردوطرف کوه های سلیمان ذکر شده- دریکی ازین سرودها آمده که قوم (پکهت) در محاربهٔ ۱۰ پادشاه آریایی که درکناردریای (راوی) بوقوع پیوسته بود، شرکت نموده بودند(۳). بقول هیلی برانت (Hillebrandt ) مورخ ومحقق درزبان و فرهنگ سانسکرت، دراراکوشیا (قندهار)

---



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

(۱) سنسیکرت از سه کلمه ترکیب شده: /سن / بمعنی (خوب) - /سی / بمعنی یکجا وبهم پیوسته - / کرت/ بمعنی ساخته شده = (بخوبی و زیبا یی آراسته شده ).
(۲ ) کلمۀ ترکیبی / رگوید/ یا / رگویدا/ : جزء / رگ / بمعنی (مقدس) - جزء / وید/ یا / ویدا/ بمعنی (دانش) = دانش مقدس ، دانش مذهبی .

(۳) و (٤) مولوی یعقوب حسن خان، تاریخ مختصر افغانها، ۱۳۱۲ شمسی – سالنامه های سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ - چاپ مطبعه کابل .
مردمی سکونت داشت که شاه (واسودیوا) فرمانروای آن بود و این قبیله تحت قیادت خلف او، یعنی (اسوداس) ، دامنۀ فتوحات خود را تا وادی اندس وسیع ساخت وکارنامه های جنگی (واسودیوئا) بطور افسانه یاد میشد(٤).
حالا ببینیم که / پکهت/ چطور / پختو/ و / پختون/ شده است، و این توضیحی است باساس معیارهای علم زبانشاسی:
صوت / س/ درزبان سانسکرت وزبانهای منشعب ازآن بطورعموم درمرورزمان باساس قانون ابدال در زبانهای دری وپختو به صوت / هه/ تبدیل شده، مثلا / سندهو/ که درسنسکرت نام (دریای سند) است ، درزبانهای دری و پختو (هندهو) شده ، یعنی / س/ به /هه/ تبدیل و بعدا بقرارقانون حذف /هندو/ شده- یعنی /هه/ دومی نیز حذف شده است. اما باید ملتفت شد که مخرج وتلفظ صوت /هه/ سانسکرت مانند /هه/ درزبان دری و پشتو نبوده، بکلی متفاوت است، و آنرا افغانها مانند همزۀ عربی ، باستثنای کسانیکه زبان اردو راخوب میدانند، درست تلفظ نمیتوانند. بهمین لحاظ صوت دوم /هه/ از کلمۀ /هندهو/ حذف شده است.
مثال دیگر کلمۀ / دست/ درفارسی است که درسانسکرت /هسته/ و درفرس باستان / دسته/ میباشد- درین مورد / هه/ سنسکرت به / د/ تبدیل شده است .
مثال دیگر کلمۀ / بوم / فارسی بمعنی زمین وزادگاه – درسانسکرت / بهومی/ - دراوستا / بومی/ - ودرفرس باستان هم / بومی/ میباشد. درین مثال بازهم /هه/ سانسکرت حذف شده است .
مثال دیگر کلمۀ سانسکرت /جهوا/ است که بزبان پختو / ژبه/ شده است . رویهمرفته درتغییر وتحول کلمات زبانها ولهجه ها ، اصوات علت (واولها – مصوتها) بطورعموم اولتر تبدیل وتنقیص (حذف) میشوند. دربعضی موارد، برای دوباره سازی کلمات ازریشه های کهن ، سه یا چهار قانون فوق الذکر یکجا تطبیق میشوند، و مثال آن کلمۀ / ایران/ است که از ریشه / آریه/ ساخته شده ودر یکی ازمقالات قبلی من توضیح شده است .
تا اینجا باین نتیجه میرسیم که با درنظرگرفتن قوانین و تعلاملات فوق الذکر از کلمۀ / پکهت / سا نسکرت صوت / هه/ درزبان پختو حذف شده و / پکت/ بوجود آمده است. صوت / ک/ از آنجمله صوت هائیست که استقرارنداشته و دراکثر زبانها به /خ/ ومعکوس آن /خ/ به /ک/ تبدیل شده است. لهذا درزبان پختو/ پکت/ به / پخت/ تبدیل شده است . چند مثال دیگر از تغییروتحول اصوات را ذیلا می خوانید:
کلمۀ /جماکه/ سانسکرت ، بمعنی (زمین) ، درزبان پختو / څمکه/ شده، یعنی /ج/ به / څ/ تبدیل شده - / نام / و / نامن/ سانسکرت در پختو / نوم/ شده - / کشپا / سانسکرت درپختو / شپه/ شده - / دس/ سانسکرت درپختو / لس/ شده - / پد / سانسکرت بمعنی (راه یا پل) درپختو / پل/ و / پلي / شده - / گهرم/ سانسکرت درپختو / گرمی/ شده - / گیری /سانسکرت بمعنی (کوه) درپختو /غر/ شده - / نمس/ سانسکرت بمعنی (طریق عبادت) درپختو / لمنځ/ یا / نمنځ/ شده است - / گودهوم/ سانسکرت درپختو /غنم/ شده - / اشوه/ سانسکرت درپختو / آس/ شده – عدد /ایک/ سانسکرت درپختو/ یوه/شده عدد / دوا/ سانسکرت در پختو / دوه/ شده و ... ازین مثا بهت ها نباید استنتاج کردکه پختو منشعب از سانسکرت است یا همه کلمات خود را از سانسکرت گرفته، همین نوع مثا بهت ها در زبان دری نیز وجود دارد ، چونکه سانسکرت خواهرزبان اوستا میباشد. اما ازآنجائیکه قوم پختون در مجاورت مدنیت سانسکرت زندگی داشته، داد وگرفتهای فرهنگی یک امر طبیعی بوده است .
حالاببینیم که / پخت/ چطور / پختون/ شده است : درهمه زبانها وندها (پیشوند وپسوند) و دربعضی زبانها علاوتا (میان وند) وجود دارد. از جملۀ پسوند های زبان پختو، دو (وند) آن در ساختمان کلمۀ / پختو/ و / پختون/ از / پخت/ ، رول داشته اند : یکی پسوند / - و/ و دیگری پسوند / - ون/ . نا گفته نماند که در لهجۀ سمت مشرقی افغانستان / پختو/ تلفظ میشود، اما در لهجۀ قندهار/ خ/ به / ښ / تبدیل میشود که آنهم / ش/ فارسی نیست ، بلکه بسیار نزدیک به / خ/ است .


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

دردستور زبان پختو هرگاه پسوند / - و/ بکلمات چسپانده شود، دومعنی دربرمیدارد: یکی معنی (نسبت) ، دیگری معنی (قوم) ، مثلا : دیگان + و = دیگانو – خوگیان + و = خوگیانو – شینوار+ و = شینوارو ، وامثالهم . لهذا پخت + و = پختو - پښت + و = پښتو – این کلمه درزبان پختو معنی قوم و زبان هردو را دارد .
پسوند دوم / - ون/ است که با ایزاد آن بکلمات، (اسم صفت) بوجود می آید، بمثالهای ذیل توجه کنید: خلاص + ون = خلاصون – تړ + ون = تړون - سم + ون = سمون – کړاو + ون = کړا ون - پاس + ون = پاسون - ژوند + ون = ژوندن – گډ + ون = گډون ، و امثالهم .
بنا برآن : پخت + ون = پختون --- پښت + ون = پښتون
در ولایت کنر شهری وجود دارد بنام / پښت / که از قدیم ترین ایام محل زیست پختونها بوده است .
رساله ای بقلم مرحوم استادعبدالرحمن پژواک را زیرترجمه دارم که بارتباط داعیهٔ پشتونستان در سال ۱۹۵٤ درلندن نشروتوزیع کرده بود. درین رساله نام پختون و پختونستان ذکر شده، ودلیل آن اینست که انگلیسها درمدت تهاجم واشغال شان درصوبه سرحد وهم درآثار انکلیسی نام این قوم را (پختون) و نام موطن شان را (صوبه سرحد) ذکر کره اند . نام (پشتونستان) به / ش/ فارسی، یک اختراع سیاسی جدید است که دردورهء صدارت مرحوم شاه محمودخان درمطبوعات افغانستان رویکارآمد .
این بود توضیح وتشریحی از زاویهٔ معیارهای علم زبانشناسی که چرا "یک قوم دونام دارد: پشتون و افغان ؟ " - و این ادعا که "اینگونه نیست که (پکت) و (پکهت) بوده، بعداً از (پخت ) به (پختون) عبور شده است ..." - و هم در رد این ادعای غیرعلمی و تصوری که " کلمهٔ پشتون، یک کلمهٔ مشتق نیست ..."( یعنی اویغوری ها یا سعید نفیسی آنرا ساخته است !؟ ) - سخن آخر اینکه نوشتن کلمه (پختو) و (پختون) یا (پښتو) و (پښتون) به / ش/ فارسی غلط است. درین مقاله هرقدر کلمهٔ (پشتون) به /ش/ فارسی که می بینید، نقل قول است از نوشتهٔ آقای داکتر روغ.
من این تشریح را حسب الوظیفه نوشتم تا اذهان نسل جوان افغان درین مورد روشن ساخته شود – سفارش من به نسل جوان اینست که درمورد مسایل تاریخی و زبانشناسی بهر نوشته و هرادعایی باور واتکاء نکنند، مگر اینکه بمقابل تان یک مورخ یا یک زبا نشناس قرارداشته باشد – بهمین ملحوظ ، بعد ازین من در مسایل زبانشناسی چیزی نمی نویسم، مگر اینکه در مقابلم یک زبانشناس قرار داشته باشد و با ابزارهای زبانشناسی که در بالا معرفی شده آشنایی مسلکی داشته باشد. درعین زمان از زبانشناسان افغان احتراما تقاضا میشود این مقتاله را بخوانند و بالای کمبودیهای آن نقد وتبصره کنند . با عرض احترام – و من الله التوفیق .

داکتر سیدخلیل الله هاشمیان – ۲۷ اپریل ۲۰۱۳


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ